

بازخوانی سازمان فضایی محله در شهر ایرانی از منظر فرهنگ وقف مطالعه موردی: محله علی‌قلی‌آقا، شهر اصفهان

مینا کشانی همدانی^۱، حسن سجاذزاده^{۲*} (نویسنده مسئول)

^۱ دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

^۲ دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۵)

چکیده

فرهنگ وقف در حوزه شهرسازی از دیرباز وجود داشته و در ابعاد گوناگونی همچون کالبدی، عملکردی، اجتماعی و اقتصادی حائز اهمیت است. شناسایی سازوکار تأثیر فرهنگ وقف در عناصر سازنده شهرهای ایرانی-اسلامی به‌ویژه با رویکردی تاریخی، به روشن‌تر شدن این مفهوم کمک خواهد کرد. شهر اصفهان با محلات تاریخی منحصر به فرد، به عنوان یکی از شهرهایی که در دوران صفویه و متأثر از فرهنگ وقف رشد و توسعه یافته است، بستر مناسبی برای پژوهش‌های تاریخی با نگاه نوآورانه را فراهم می‌آورد. از این رو از میان محلات شهر اصفهان، با توجه به وجود وقف‌نامه‌ای مستند، محله علی‌قلی‌آقا به منظور بستر این پژوهش به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده و پژوهش با فرض تأثیرگذاری سنت وقف بر شکل محله علی‌قلی‌آقا، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که فرهنگ وقف چگونه بر ساختار و خلق فضاهای محله سنتی تأثیر گذاشته است؟. بر این اساس، هدف مقاله تحلیل ساخت‌شناسی فضایی و عناصر کالبدی محلات سنتی از منظر فرهنگ وقف و مبتنی بر رویکرد ساختارگرایی در مطالعات شهر اسلامی می‌باشد، تا بر این اساس بتوان در فرایند بازآفرینی محلات سنتی با اتکاء به یافته‌های تحقیق به سازمان فضایی پایداری دست یافت. به همین منظور، پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی ضمن مرور ادبیات جایگاه وقف در تفکر اسلامی و تأثیر آن بر ساختار شهر اسلامی، در بخش تحلیلی با استفاده از گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای-اسنادی، مشاهدات میدانی، اسناد، نقشه‌های تاریخی و همچنین بررسی وقف‌نامه‌ها و سفرنامه‌های تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که فرهنگ وقف، در ایجاد نطفه اولیه مرکز محله علی‌قلی‌آقا شهر اصفهان و ایجاد بناهای عمومی نظیر: مسجد، حسینیه، حمام و سایر ابنیه عام‌المنفعه در این محله، اثرگذار بوده است. همچنین به دلایل ابعاد اعتقادی و اجتماعی فرهنگ وقف، توسعه و ایجاد ابنیه محله علی‌قلی‌آقا، موجب ایجاد ساختار درهم تنیده در مرکز محله و ایجاد حساسیت و مشارکت مردم در حفظ و احیاء ابنیه سنتی در این محله شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ وقف، محله، شهر ایرانی-اسلامی، محله علی‌قلی‌آقا، اصفهان.

مقدمه

پس از ورود اسلام به ایران، ساختار شهرها در ایران تحت تاثیر جهان بینی اسلامی قرار گرفت. در این بین، عصر صفوی به عنوان یکی از دوره های درخشان حکومت اسلامی در وجوه مختلف از جمله شهرسازی قابل ذکر است. از این رو شناخت عناصر سازنده شهرهای اسلامی در جغرافیای ایران، در یک دوره تاریخی مشخص همچون دوره صفویه، حائز اهمیت بوده و در این میان لزوم مطالعه "محلّه" به عنوان یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده شهرهای اسلامی، ضروری است. مطالعاتی که تا امروز انجام شده، کمتر توجه پژوهشگران را به تأثیر وقف در پیدایش محلات معطوف داشته است (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۸). از این رو این پژوهش تصمیم دارد با نگاهی نوآورانه به بررسی این موضوع بپردازد. در واقع ساختار کالبدی محلات و حیات اجتماعی جاری در آن می تواند برآمده از الگوهای متفاوتی باشد که ریشه در نیروهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و یا طبیعی دارد. یکی از مهمترین نیروهای تأثیرگذار بر شکل محلات در شهرهای اسلامی، برآمده از ابعاد مذهبی و اجتماعی حاکم بر یک جامعه است. از این رو شناخت تأثیر سنت های ساری و جاری در نگاه مذهبی حاکم بر یک جامعه، می تواند آثار کالبدی و اجتماعی برجای مانده از آن را هویدا نماید. یکی از این سنت ها، سنت "وقف" است. "آندره ریمون" معتقد است از نهادهای شاخص اسلامی یعنی وقف یک موضوع قابل توجه در شکل دادن به سازمان فضایی شهر است (شهابی، ۱۳۸۳: ۱۴۴). از این رو مطالعه تأثیر این سنت بر ایجاد فضای کالبدی در ساختار شهرهای اسلامی حائز اهمیت است. اهمیت نهاد وقف در ایران تا بدانجاست که کمپفر معتقد است: «شناخت درست وضع دربار ایران بدون شناخت دقیق نهاد وقف مقدور نیست» (احمدی، ۱۳۹۱: ۴۷). در این بین شهر اصفهان به عنوان نمونه ای بی بدیل از شهرهای اسلامی بر جای مانده از دوره صفویه، این سنت را به شکل پررنگی در ابعاد مختلف نظیر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی به کار گرفته است. در واقع «اقتصاد و سازمان فضایی شهرها از جمله اصفهان در حد مقدورات کمی و کیفی در پرتو فرهنگ اسلام از نهاد وقف سرچشمه می گیرد و نقش جهان بینی را در آرایش سازمان فضایی شهر روشن می سازد» (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۰). «پراکندگی جغرافیایی بناها و فضاهای وقفی از یک نظام عقلایی و اقتصادی کاملاً تکامل یافته تبعیت می کند، به طوری که یک موقوفه با چند رقبه مانند مسجد، مدرسه، کاروانسرا، بازار، حمام و غیره در جوار هم قرار دارند. مکان یابی این عناصر چنان نظم کالبدی و فضایی ارزنده ای را به فضاهای جغرافیایی می بخشد که توجه معماران و شهرسازان را به خود جلب نموده است» (شفقی، ۱۳۷۶ الف: ۳۳-۶۷).

«از میان محلات اصفهان ۳۱ محلّه به نام شخصیت های معروف نامگذاری شده است و اغلب آن ها اسامی واقفان را بر خود دارند؛ البته منظور وقف تمام محلّه نیست، بلکه تنها هسته های اصلی و

مرکز محلات، که مساجد، حمامها، بازارچه و گاهی حسینیه، کاروانسراها و سقاخانه و چاه آب تشکیل دهنده آن است و معمولاً اشخاص خیر و توانگر این بناها را می ساختند و آن ها را وقف می نمودند و از درآمد واحدهای اقتصادی چند حمام، بازارچه و کاروانسرا مخارج حفظ و نگهداری همین بناها را تأمین می کردند و حتی اسم خود را بر روی همین محلات می گذاشتند» (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۸ و ۶۹). محلّه علی قلی آقا یکی از محلاتی است که هنوز با نام واقف آن در تقسیمات شهری اصفهان شناخته می شود؛ این محلّه به عنوان یکی از محلاتی که همچنان ساختار مرکز محلّه اولیه خود را از زمان شکل گیری آن تاکنون حفظ کرده است و با توجه به سند وقف نامه بر جای مانده از آن، مورد مطالعه قرار گرفته است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر وقف در نحوه شکل دهی ساختارهای فضایی تشکیل دهنده محلّه علی قلی آقا در شهر اصفهان می باشد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیرات کالبدی سنت وقف در نحوه شکل دهی سازمان فضایی محلّه است. این پژوهش در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که «فرهنگ وقف چگونه بر ساختار و شکل گیری محلّه سنتی ایرانی علی قلی آقا تأثیر گذاشته است؟».

روش تحقیق

نتایج به دست آمده در تحقیق فراتحلیلی که در حوزه وقف در شهرهای ایرانی - اسلامی انجام شده حاکی از آن است که تحقیقات صورت گرفته در حوزه وقف، بیشتر به صورت کیفی و از طریق تحلیل های مبتنی بر اسناد صورت گرفته اند؛ به طور کلی مطالعات وقف در شهرهای ایرانی - اسلامی در کشورمان را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد که عبارتند از مطالعات تأثیر وقف بر توسعه و شکل یابی فیزیکی شهرهای ایرانی - اسلامی و تأثیر وقف بر مؤلفه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهر ایرانی - اسلامی (ابدالی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۶). در پژوهش پیش رو، رویکرد نخست مد نظر است و با رویکرد تاریخی و به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته که با استفاده از گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای - اسنادی و مشاهدات میدانی انجام شده است. به این منظور عمده ترین اسناد و اطلاعات مکتوب از جمله پژوهش های پیشین، اسناد و نقشه های تاریخی و وقف نامه موجود، مورد بررسی قرار گرفته و با تطبیق داده های استخراج شده با شرایط وضع موجود بر اساس مشاهدات میدانی و مصاحبه با نخبگان و مطلعین، این مهم به انجام رسیده است.

مبانی نظری

شهر اسلامی

با گسترش دین اسلام در سرزمین های مختلف و ارزش های برآمده از جهان بینی آن، تغییراتی در ساختار اجتماعی و کالبدی سکونتگاه های تحت حاکمیت آن ایجاد گردید و پس از این دوران واژه شهر اسلامی در مطالعه این جوامع به کار گرفته

شده است. «واژه شهر اسلامی به طور عام به شهرهای واقع در قلمرو حاکمیت قوانین، مقررات، ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی در پهنه‌های وسیعی از جهان با مرکزیت خاورمیانه و شمال آفریقا اطلاق می‌شود» (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵). با این حال برخی محققان، شهر اسلامی را فاقد هویتی مستقل می‌دانند؛ در این بین مومنی معتقد است که باید شهرهای کشورهای اسلامی را شهرهای دوران بعد از اسلام و یا شهرهای سرزمین‌های اسلامی نامید (همان).

محله‌ها به عنوان یکی از عناصر مشخص در شهرهای اسلامی حائز اهمیت هستند. «محله در شهرهای ایران دوره اسلامی را می‌توان با برزن شهرهای ایران باستان مقایسه کرد. چنان‌که واژه فارسی برزن در فرهنگ‌های لغت و اشعار شاعر پارسی‌گو نیز معادل واژه عربی "محله" آورده شده است» (بحری مقدم، ۱۳۹۲: ۱۰۳). «محله به مثابه سلول اصلی شهر سنتی است که عوامل مختلفی همچون عوامل فرهنگی، اقتصادی و فضایی در شکل‌گیری آن تأثیر داشته است. محلات به عنوان یکی از ویژگی‌های شهرهای اسلامی به شمار می‌رود که عناصری همچون وجود بازار محلی، مسجد، حمام، مدرسه و آب‌انبار به عنوان فضاهای اصلی محله به شمار می‌رود» (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶). «در یک تعریف کلی که از محله آمده است، محله مسکونی، کوچکترین ناحیه برای برنامه‌ریزی است که در آن ساکنان به صورت مشترک از تسهیلات عمومی و نهادهای اجتماعی استفاده می‌کنند» (غلامی و الیاسی، ۱۳۹۳: ۲). مرکز محله در محلات سنتی شکل تک‌هسته‌ای داشته و عناصر عمومی مرکز محله شامل کارکردهایی مانند مدرسه، تکیه، سقاخانه، زورخانه، قهوه‌خانه، آب‌انبار، حمام و دکان‌ها و بناهای عمومی بوده است که در این بین مسجد به عنوان عنصر اصلی به شمار می‌رود (غروی الخوانساری، ۱۳۹۳: ۶۸).

کاربست رویکرد ساختارگرایانه در تحلیل مفاهیم شهرسازی اسلامی

ساختار به عنوان صفات ساختاردهنده‌ای تعریف شده که با وجود آن‌ها، عملکردهای اجتماعی مشابه و قابل تشخیص در ابعاد متغیر زمان و مکان می‌توانند وجود داشته باشند و بنابراین، صورت نظام مندی به آن عملکردها می‌بخشند (گیدنز، ۱۹۷۷). ساختارها از طریق اطلاع‌رسانی به کنش‌گران و دیگر عوامل و استفاده آن‌ها از این قواعد و منابع، سبب ایجاد سیستم‌های اجتماعی می‌شوند (پیربابایی و ایرانشاهی، ۱۳۹۹: ۲۰). به طور کلی، در خصوص نظر پژوهش‌گران حوزه شهرسازی اسلامی درباره وجودیت یا عدم موجودیت شهر اسلامی و کمیت و کیفیت آن از منظر سبک و رویکرد مطالعاتی و نوع نگاه به شهرهای اسلامی را می‌توان شامل رویکرد مورفولوژیک (فرم‌محور)، رویکرد ساختارگرایانه و رویکرد ساختارشکنا (نقادانه)، تقسیم‌بندی نمود. در رویکرد مورفولوژیک (فرم‌محور) صرفاً مطالعه شکل و کالبد شهر اسلامی و تحلیل توصیفی از نمود کالبدی شهری مد نظر است. در

رویکرد ساختارگرایانه، تحلیل فرایند ساخت و ساز شهر اسلامی و توجه به ساختارهای اجتماعی-فرهنگی شهرها بیش از پیش اهمیت می‌یابد؛ و در نهایت در رویکرد ساختارشکنا (نقادانه) نقد برخی پیش‌فرض‌های رویکردهای سابق در زمینه تبعیت از اندیشه وبری و حاکمیت روح غرب‌گرایی و استعماری بر آن‌ها، مورد توجه است (عمران‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۴-۷۸). از موضوعات مهمی که پیروان این رویکرد به بررسی و مطالعه آن همت گماشتند، نهادهای شهری مسلمانان است که از آن جمله می‌توان به نهادهای دینی، اجتماعی، اقتصادی، قانونی و آموزشی اشاره کرد که فرهنگ و وقف به عنوان یک نهاد اجتماعی نیز در زمره این موضوعات قرار می‌گیرد. این رویکرد به مطالعه و دسته‌بندی ساختار متنوع شهرهای اسلامی، بر اساس عوامل مختلف جغرافیایی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی، می‌پردازد. از جمله محققان و مستشرقینی که با رویکردی ساختارگرایانه به تحلیل مفاهیم و نهادهای اجتماعی در حوزه شهر اسلامی پرداختند می‌توان به لاپیدوس، براون، ویرث، اهلرز و نگلیا اشاره کرد. لاپیدوس معتقد است که نهاد محله در شهرهای اسلامی، رکن رکن نهادهای اجتماعی را شکل داده و نهاد محله با ویژگی‌های همگن به لحاظ اجتماعی، شغلی، مذهبی، قومی و قبیله‌ای همواره به عنوان یک نهاد تاب‌آور و باسابقه در طول تاریخ شهرسازی اسلامی موجودیت و تثبیت شده است (Lapidus, 1973). بر این اساس نظام و ساختار شهرهای اسلامی بر اساس نظامی اجتماعی استوار است تا نظامی هندسی و کالبدی. به این ترتیب مطالعه شهر اسلامی بایستی با در نظر گرفتن جریان روزمره زندگی و روابط و نهادهای اجتماعی حاکم بر آن تحلیل و ارزیابی گردد.

وقف و ساختار فضایی شهرهای اسلامی

بر اساس لغتنامه دهخدا (جلد ۱۵) تعریف وقف عبارتست از: نگهداشتن و حبس کردن عین ملکی و مصرف کردن منفعت آن در راه خدا. وقف به معنای نگهداشتن دائمی اصل مال و بهره‌برداری از منافع آن برای امور خیریه است و از پیامبر اکرم (ص) به عنوان اولین واقف در اسلام یاد شده (میراحمدی، ۱۳۷۱: ۲۹-۴۸). «در تعریف دیگری که بر اساس ماده ۵۵ قانون مدنی ارائه شده است، وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود» (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۶). «جمع واژه وقف، اوقاف است. به مال و زمین وقف شده، موقوفه گفته می‌شود» (صادقی گلدر، ۱۳۸۵: ۱۱).

با توجه به اهمیت استفاده و استناد به متن وقف‌نامه علی‌قلی آقا در پژوهش پیش‌رو، تعریف وقف‌نامه در ادامه آمده است: «سندی است که حکایت از وقفیت دارد و در آن نام ملک یا املاک موقوفه، نام واقف، نام محل، خصوصیات رقبات، چگونگی مصارف آنها، نام متولی و ترتیب تعیین متولیان بعد از متولی اول بیان می‌گردد» (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۲). «در نتیجه می‌توان به وقف‌نامه‌ها به عنوان منبع ارزشمندی در زمینه معماری و شهرسازی نگریست که حاوی مطالب قابل توجهی می‌باشد، به

طوری که گاه با توجه به این اطلاعات می‌شود طرح شماتیک برخی شهرها و یا مناطقی از یک شهر مانند بازار آن را ترسیم نمود» (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۶).

«از شواهد و قرائن تاریخی چنین پیداست که وقف از پیشینه‌ی عظیم تاریخی برخوردار است و هزاران سال قبل از اسلام نیز قدمت و سابقه دارد. در کشورهای غربی و حتی نقاط دورافتاده استرالیا و آفریقا و در میان سرخپوستان آمریکای جنوبی سنت وقف وجود داشته است. موقوفات خصوصی و بنیادهای وقفی کشورهای اروپایی و بخصوص آمریکای شمالی، از ابزارهای رشد، توسعه و تحول فرهنگی جوامع این کشورهاست. یکی از کشورهای بانی وقف، کشور آلمان فدرال است. حقوقدانان مسلمان معتقدند که اولین وقف، ساخت خانه کعبه در مکه بوده است» (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴ و ۳۵).

با مطالعه سنت وقف در ایران نیز طبق مطالعات صورت گرفته از عصر صفویه به عنوان دورانی که توجه به امور موقوفات به طور چشم‌گیری در آن افزایش یافته و خاندان صفوی را برچمدار وقف معرفی می‌نمایند، یاد می‌شود. شکل دیگری از وقف در دوره پهلوی به وجود می‌آید که شامل تشکیل نهادها و بنیادهای خیریه است (همان).

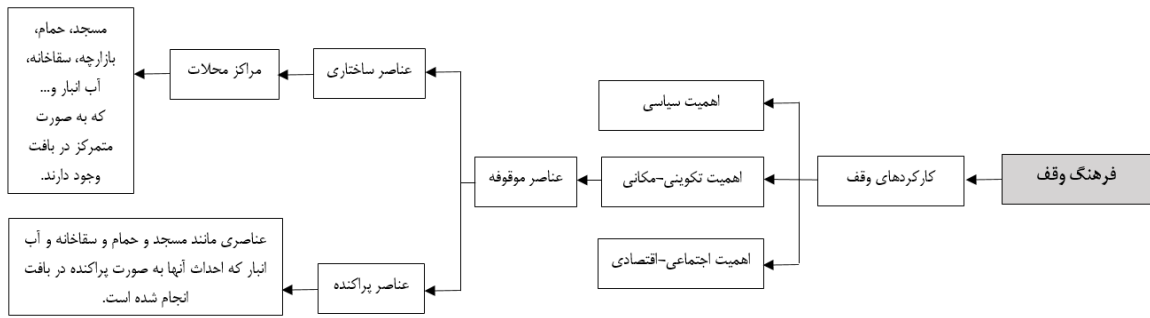
فرهنگ وقف به کارکردهای متفاوتی می‌انجامد. اهلرز (۱۳۷۴) معتقد است، نهاد وقف یا موقوفات از سه جنبه اهمیت دارد که در نهایت بر رشد و توسعه جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شرف اسلامی و شهرهای آن اثرگذار خواهد بود. سه جنبه مذکور عبارتند از: ۱- اهمیت تکوینی و مکانی؛ ۲- اهمیت اجتماعی - اقتصادی؛ ۳- اهمیت سیاسی (اهلرز، ۱۳۷۴: ۱۴۲).

از جمله مهمترین افرادی که در اشاعه فرهنگ وقف و کارکردهای برآمده از آن موثر بوده‌اند، حاکمان و افراد با نفوذ بوده‌اند به گونه‌ای که شاهان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین واقفان زمان خود شناخته می‌شدند. به طور کلی کارکرد این نهاد شامل رفاه اجتماعی که حتی توسعه شهری را نیز به دنبال داشته است؛ به گونه‌ای که مواردی همچون کمک به اشاعه آیین تشیع، دیوان وقف (اوقاف)، مدارس (غالباً بر پایه آیین وقف بوده)، همچنین ساخت آب‌انبارها، سنگاب‌ها و سقاخانه‌ها، دارالشفاهای، یتیمخانه‌ها و دارالمجانین‌های وقفی و یا بناهایی که درآمد آن‌ها صرف امور مورد نظر واقف می‌شد؛ مانند حمامها، کاروان‌سراها، دکان‌ها و تیمچه‌ها، که هر یک در جای خود در رونق بخشیدن به شهرها و روستاها و حتی راه‌های کشورهای کشور به ویژه راه‌های زیارتی تأثیر بسیار گذاشتند و کاربرد آن در امور عام‌المنفعه نیز مشهود است، همگی مصداق‌هایی از کارکرد وقف می‌باشند و از نمونه‌های فاخر بر جای مانده در این خصوص می‌توان به مسجد جامع عباسی و مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان اشاره کرد (احمدی، ۱۳۹۱: ۴۱-۵۰). همچنین ربیع رشیدی، نظامیه‌ها و به طور کلی ایجاد تاسیسات و خدمات عمومی نیز نمونه‌های دیگری از کارکرد وقف در ساختار شهر و شهرنشینی بوده است

(کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۹). به عبارتی وقف علاوه بر این که از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای فراوان و مهمی در زندگی روزانه و فعالیت‌های شهری بوده، از «نظر کالبدی در تشکل و تولید فضاهای عمومی شهری اهمیت بسیاری داشته است. به طوری که شهرها را نه تنها از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی انسجام می‌بخشید، بلکه از نظر کالبدی نوعی پیوستگی و وحدت فضایی بین مناطق و محله‌های مختلف شهر به وجود می‌آورد. اگر فضاهای عمومی و عام‌المنفعه که در ساختار شهرهای سنتی ایران تقریباً بسیاری از آن‌ها از طریق وقف شکل گرفته‌اند را حذف کنیم، چیزی که باقی می‌ماند مجموعه‌ای از مساکن، مراکز تجاری و در کل فضاهای خصوصی هستند که از نظر مدنی به صورت پراکنده، گسسته و بی‌ربط خواهند بود» (شهابی، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

کلانتری و همکاران (۱۳۸۹) بیان می‌کنند که طبق نظر الکیسی، یکی از اصلی‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی جهان اسلام را وقف شکل می‌دهد. وقف طبق موازین دینی می‌تواند منجر به تقسیم ثروت و تعدیل آن در جامعه گردیده که در کنار شکل‌گیری توازن اجتماعی و همکاری و مشارکت در جامعه، تشکیل‌دهنده زیربنای عدالت اجتماعی و اقتصادی خواهد بود (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۶). وقف در فرایند ایجاد کالبد شهرها در سطح کلان و خرد دارای اهمیت بوده است؛ به عنوان مثال از شکل‌گیری و تولید عناصر جزئی در محیط شهری مانند سقاخانه تا ایجاد مراکز بزرگ مقیاس همچون مساجد و مراکز تجاری را دربرمی‌گیرد که علاوه بر ویژگی‌های کالبدی با توجه به ابعاد عملکردی خود نقش مهمی در ساختار فضایی شهر داشته‌اند (همان: ۳۹).

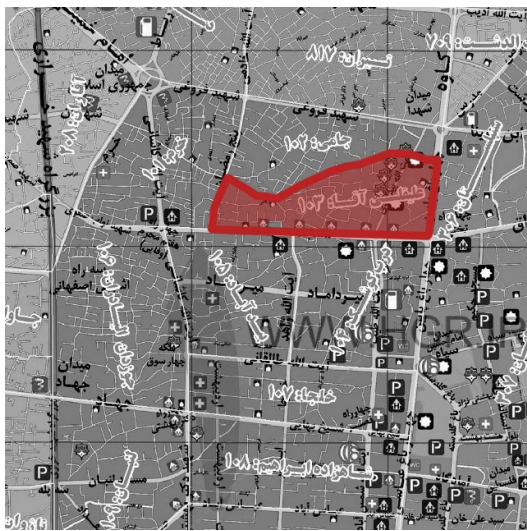
«با توجه به تقسیم‌بندی دکتر سیروس شفق‌ی موقوفات شهر اصفهان به دو دسته قابل تقسیم‌بندی است که عبارتند از: الف) موقوفاتی که مستقیماً جنبه عمرانی ندارند، بلکه کمکی است به انسان‌های محروم جامعه و ب) موقوفاتی که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر ارتباط دارد؛ مانند: ایجاد بناهایی هم چون مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مسافرخانه‌ها، نوانخانه‌ها، آب‌انبارها و قنوات، حمام‌ها، پل‌ها، قبرستان‌ها، مساکن انسانی، خوابگاه‌های عمومی، تکایا، قسمتی از بازارهای شهر، غرس اشجار و سقاخانه‌ها و غیره» (شهابی، ۱۳۸۳: ۱۴۶ و ۱۴۷). به طور کلی این عناصر موقوفه را از نظر تشکل می‌توان به دو گروه کلی متشکل (مجموعه‌ی ساختاری) و غیرمتشکل (عناصر پراکنده) طبقه‌بندی کرد که این موضوع ارتباط نزدیکی با توزیع فضایی و پراکنش عناصر موقوفه دارد (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲). یکی از نمونه‌های مهم در ایجاد عناصر بزرگ مقیاس در ساختار شهر، میدان گنجعلی‌خان کرمان (در ایران) است که شبیه به میدان اصلی پایتخت بوده و وقف درآمد آن یا بخشی از درآمد آن بر آستانه امام رضا(ع)، اقدامی است که از سوی گنجعلی‌خان صورت گرفته و از سوی هیچ یک از پادشاهان عباسی انجام نشده



تصویر شماره ۱: دیاگرام چارچوب مفهومی پژوهش

نمونه موردی: محله علی قلی آقا

شهر اصفهان به عنوان اصلی ترین پایتخت های حکومت صفویان به شمار می رود. از میان بیش از ۲۷۳ اثر باستانی ثبت شده در این شهر، قسمت اعظم آن را موقوفات به خود اختصاص می دهند. یکی از مصداق های روشن به کارگیری سنت وقف در شهر اصفهان بازار اصلی شهر است که دارای تراکم موقوفات بیشتری بوده و اغلب آن ها را مراکز مذهبی تشکیل می دهد که این موقوفات در شکل پذیری و توسعه شهر اصفهان بسیار مؤثر بوده اند.



نقشه شماره ۱: موقعیت محله علی قلی آقا در شهر اصفهان

است (احمدی، ۱۳۹۳: ۵۳). همچنین از نمونه های بارز تاثیر وقف در سطح کلان می توان به پراکنش و تراکم مکان های وقفی در بازار تهران و اطراف آن در دوره قاجاریه اشاره کرد که به دلیل اهمیت و نقش بازار در اقتصاد شهر تهران بوده است در حالی که این تراکم جانمایی مکان های وقفی در دوره قاجاریه، در دوره پهلوی متفاوت بوده و در کل شهر پخش شده است این امر به دلیل ورود طراحی خیابان ها و کاهش نقش بازارها بوده است (عسگری و بغدادی، ۱۳۹۴: ۳۸). همچنین از دیگر نمونه های تاثیر وقف بر کالبد شهرها می توان به ایجاد منابع آبی وقف قنات و آب انبار اشاره کرد؛ به عنوان نمونه، آب انبارهای تهران که در دو نوع خانگی و عمومی بنا می شدند از آن جمله اند که آب انبارهای عمومی، در دو دسته شخصی و وقفی وجود داشتند که آب انبارهای وقفی بصورت تک بنا یا همراه مساجد، مدارس، تکایا و... ساخته می شدند؛ معمولاً آب انبارهای وقفی، هر یک موقوفاتی نیز داشتند. این وقف بیشتر توسط طبقه پردرآمد انجام شده و بنابراین باعث مشارکت مردمی می شده اند (یوسفی فر، ۱۳۹۶: ۴۰-۴۴). علاوه بر آنچه در بالا آمد، در سطحی کلان تر، طبق بررسی های انجام گرفته، اراضی وقفی در شهرهای اسلامی ایران منجر به توسعه افقی در شهرها شده است که از آن جمله می توان به شهر اصفهان اشاره کرد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳). همچنین وقف در تحركات جمعیتی و مهاجرت های خرد و کلان نیز تاثیر گذار بوده است؛ به گونه ای که شهیدی (۱۳۹۴) معتقد است در شکل گیری شهر مشهد پدیده مهاجرت، از کارکردهای وقف در این شهر بوده که با توجه به افزایش حضور زائران در این شهر در دوره صفویه و لزوم احداث کاروانسرا به وجود آمده است (شهیدی، ۱۳۹۴: ۱۰۶ و ۱۱۲).

به طور کلی می توان گفت وقف در ایجاد وحدت فضایی بین مناطق و محلات مختلف شهر، تاثیر بسزایی داشته است؛ در واقع وقف بازتابی کالبدی دارد که همچون ظرفی برای مظهر آن که همان عملکردهای وقفی می باشند، هستند. عملکردهایی که نقش مهمی در حیات اجتماعی و مدنی جامعه داشته است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸).

به طور کلی با توجه به آنچه در بخش ادبیات نظری موضوع مورد مطالعه قرار گرفت، می توان دیاگرام شماره ۱ را به عنوان جمع بندی چارچوب مفهومی پژوهش ارائه نمود.

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد گسترش و توسعه شهر اصفهان در دوران تاریخی ارتباط تنگاتنگی با موقوفات اصفهان داشته است (شفقی، ۱۳۷۶: ۴۷-۵۸ ب). «در واقع پیدایش شهر به دست بانیان خیر، از نظر جغرافیای شهری اهمیت خاصی دارد. از ۱۵۷ محله اصفهان^۱، ۳۱ محله به نام شخصیت‌های معروف نامگذاری شده است و اغلب آن‌ها اسامی واقفان را بر خود دارند. البته منظور وقف تمام محله نیست، بلکه وقف هسته‌های اصلی و مرکزی محلات؛ مثلاً مساجد، حمامها، بازارچه‌ها، حسینیه‌ها و مانند آن است. معمولاً اشخاص خیر و توانگر با ساختن بناها و وقف آنها، از درآمد واحدهای اقتصادی چون حمام، بازارچه و کاروان‌سرا، مخارج حفظ و نگهداری همین بناها را تأمین می‌کردند. پراکندگی جغرافیایی موقوفات و رقبات^۲ آن‌ها در شهر اصفهان با بافت‌های قدیمی و فرسوده شهر منطبق است» (باقری، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

محله علی‌قلی آقا طبق تقسیم‌بندی فعلی محلات شهر اصفهان، یکی از محلات رسمی شهر اصفهان واقع در منطقه یک است که از شمال به خیابان جامی، از شرق به خیابان چهارباغ پایین، از جنوب به خیابان مسجد سید و از غرب به خیابان پنج‌مضان محدود می‌شود (نقشه شماره ۱).

شفقی (۱۳۸۱) در بخشی از کتاب جغرافیای اصفهان که به توسعه محلات اصفهان در عصر صفویه اشاره کرده است از این محله به عنوان یکی از محلات جدید که در راستای توسعه محلات شهر بوده، نام برده شده است؛ بنابراین این محله به ویژه با تکیه بر ایجاد عناصر عام‌المنفعه وقفی آن، نه تنها مانعی برای توسعه شهر نبوده، بلکه به این توسعه کمک کرده است. طبق اطلاعات موجود در اسناد و کتب تاریخی، یکی از محلات دوره صفویه به نام چهارسوق علی‌قلی آقا معروف است؛ مجموعه بناهایی شامل: مسجد، سقاخانه‌ها، حمام، بازارچه و کاروانسرا به دست یکی از رجال اواخر دوره صفویه (به نام علی‌قلی آقا) پدید آمده است و بازارچه این محله با ۴۰ باب دکان^۳، در حقیقت مرکز خرید ساکنان آن را تشکیل می‌دهد و مجموعه حاج علی‌قلی آقا موقوفه بوده و در آمد حاصل از اجاره مغازه‌های بازارچه، حمام و کاروانسرا برای حفظ و تعمیر و اداره مسجد هزینه می‌شود (شفقی، ۱۳۸۱، ۴۰۳). در واقع، در دوره صفویه محلات جدیدی به شهر افزوده شد که به سه دسته تقسیم می‌شدند: دسته اول محلاتی بوده که در مکان‌های جدیدی ایجاد شده بودند، دسته دوم محلاتی است که در مکان محلات قدیمی است ولی نام جدیدی پیدا کرده بودند که محله علی‌قلی آقا از جمله این موارد می‌باشد و دسته سوم محلاتی است که قبل از دوران صفویه بیرون حصار شهر قرار داشتند و در آن دوران به دنبال رشد و توسعه شهر، جزئی از آن به حساب می‌آمدند (جناب، ۱۳۹۳: ۲۵)؛ که مطابق این توضیحات، این محله بر زمین کاملاً بایر و به صورت یکباره ایجاد نشده، بلکه همانطور که در ادامه خواهد آمد، بخشی از محله بزرگ‌تری به نام بیدآباد بوده است و در نهایت در قالب

محله‌ای مجزا، شکل گرفته است. به منظور یافتن داده‌های مورد نیاز در گام اول، بررسی‌هایی در خصوص وجود وقف‌نامه‌های تاریخی یا معاصر در محدوده محله علی‌قلی آقا انجام شد که در نهایت وقف‌نامه‌ای به نام «وقف‌نامه علی‌قلی آقا» که متن آن در کتاب اسناد وقف اصفهان، دفتر هفتم (۱۳۸۸: ۱۷۸-۱۹۷) منتشر شده، به عنوان یکی از مراجع اصلی تحقیق حاضر، مورد استفاده و با تأکید بر مولفه‌های کالبدی در مرکز محله مورد مطالعه و با مقیاس محلی، مورد بازخوانی قرار گرفت. طبق اطلاعات موجود در سند منتشر شده مذکور از متن وقف‌نامه علی‌قلی آقا، این سند طی سه دوره در سال‌های ۱۱۱۷، ۱۱۲۵ و ۱۱۳۲ هجری قمری توسط واقف آن، علی‌قلی آقا تنظیم شده و هر بار بخش‌هایی به آن اضافه شده است. در این سند اطلاعات کاملی به تفکیک توصیف موقوفه، رقبات، تولیت و متصدی و ناظر، مصارف وقف و سجلات آمده است که با توجه به چارچوب نظری پژوهش، اطلاعات مرتبط با ساختار کالبدی تشکیل‌دهنده عناصر وقف در آن، استخراج شده است. همچنین با توجه به اسناد موجود در چارچوب نقشه‌های سیر تاریخی شهر اصفهان، تغییرات محله در سال‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته و در نهایت، نتایج به دست آمده با برداشت میدانی از محدوده و مصاحبه با برخی نخبگان و نیز پیشکسوتان محلی، مورد بررسی مجدد قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

از میان رویکردهای مورد اشاره در تحلیل مطالعات شهر اسلامی، در تحقیق پیش‌رو، رویکرد ساختارگرایانه، رویکرد غالب در تحلیل‌های مورد اشاره می‌باشد. زیرا با توجه به بررسی تغییرات کالبدی ساختار محله علی‌قلی آقا مبتنی بر فرهنگ وقف به عنوان یک ساخت اجتماعی تأثیرگذار بر آن، لایه‌های تحلیل قابل ارائه خواهد بود. ابتدا با بررسی اسنادی متن سند وقف‌نامه می‌توان تغییرات کالبدی ساختار مرکز این محله را تجزیه تحلیل نمود. نکته حائز اهمیت در متن این وقف‌نامه معرفی حمام علی‌قلی آقا در محله‌ای به نام شیخ ابومسعود می‌باشد که حاکی از آن است که تا زمان تنظیم این وقف‌نامه محله‌ای به نام علی‌قلی آقا وجود نداشته و احتمالاً در ادامه با ایجاد مستحقات علی‌قلی آقا در چارچوب فرهنگ وقف، زمینه شکل‌گیری چنین محله‌ای ایجاد شده است. طبق متن این وقف‌نامه آنچه به عنوان موارد وقف ذکر شده، وقف مسجد-مدرسه علی‌قلی آقا بوده (مهمترین موارد وقف در ادامه آمده که در محله واقع شده‌اند مانند حمام‌های بزرگ و کوچک علی‌قلی آقا و بازارچه مجاور آن) و سقاخانه مجاور و مسجد نیز وقف عام است. موارد وقف مسجد-مدرسه علی‌قلی آقا در وقف‌نامه ۱۱۲۵ و ۱۱۲۷ هجری قمری مطابق جدول شماره (۱) آورده شده است.

سرانجام در سند وقف‌نامه سال ۱۱۳۲ هجری قمری یعنی دو سال پیش از حمله افغان‌ها، کلیه آنچه قبلاً توضیح آن آمد توسط فردی به نام میرمحمد ابراهیم^۴ مجدداً وقف شده است. از

جدول شماره ۱: موارد وقف مسجد مدرسه علی قلی آقا در محدوده محله علی قلی آقا^۱

عنوان	موارد وقف مطابق سند وقف نامه ۱۱۲۵	موارد وقف مطابق سند وقف نامه ۱۱۲۷
عناصر کالبدی	- دو حمام متصل به هم - ۴ دکان جنب مسجد و حتی درب‌های آن‌ها - پاتیل‌ها و رخامها ^۶ - بخش‌های چوب‌پوش و تخته‌پوش و طاق آجری نمخانه ^۸ و حصار ته چشمه	- استخر حمام علی قلی آقا - بازارگاه رفیع روبه‌روی مسجد-مدرسه که عبارتست از: * قهوه‌خانه * کارخانه رنگ‌رزی * کارخانه شربافی * ۳۰ باب دکان * ۸ باب حجره فوقانی بالای دکان‌ها * چهارسوق و سقاخانه موجود در آن که کلیه موارد فوق، به موارد وقف به سند وقف نامه ۱۱۲۵ اضافه شده است.
سایر مصارف	امورات مربوط به هزینه‌های تولیت، ناظر و متصدی وقف؛ علاوه بر این‌ها مواردی همچون پاکسازی شهرها، تعمیرات مسجد-مدرسه، روضه‌خوانی و... نیز به عنوان مصارف این وقف آمده است که در خارج از چارچوب پژوهش حاضر است.	---

متن این وقف‌نامه چنین برمی‌آید که شخص علی قلی آقا در این سال، به تازگی فوت شده است (اسناد وقف اصفهان، دفتر هفتم، ۱۳۸۸: ۱۷۸-۱۹۷).

ذکر این نکته ضروری است که با توجه به آسیب‌های برجای مانده از حمله افغان‌ها به عناصر کالبدی شهرها و به ویژه در اصفهان، احتمالاً مجموعه مرکز محله علی قلی آقا هم از این آسیب‌ها مصون نبوده است، اما خوشبختانه، این آثار تا به امروز و با انجام مرمت‌های مختلف، بر جای مانده است.^۵ در میان مواردی که در جدول به عنوان موارد وقف مسجد-مدرسه علی قلی آقا آمده است، وجود عناصری همچون خود مسجد-مدرسه، حمام، بازارچه، سقاخانه و چهارسوق با توجه به تعاریف ارائه شده در خصوص عناصر تشکیل‌دهنده مرکز محله، به چشم می‌خورد که با توجه به جانمایی این عناصر به صورت متمرکز و در جوار یکدیگر در یک بخش از محله، ساختار مشخصی از مرکز محله را به وجود آورده است که نطفه ایجاد آن با فرهنگ رایج وقف در دوره صفویه شکل گرفته است.



نقشه شماره ۲: موقعیت محله علی قلی آقا در محله بندی تاریخی شهر اصفهان پس از احداث خیابان مسجد سید و جدایی محله بیدآبادی (محله علی قلی آقا با رنگ قرمز مشخص شده است)؛ مأخذ: شفقی، ۱۳۸۱: ۴۱۹

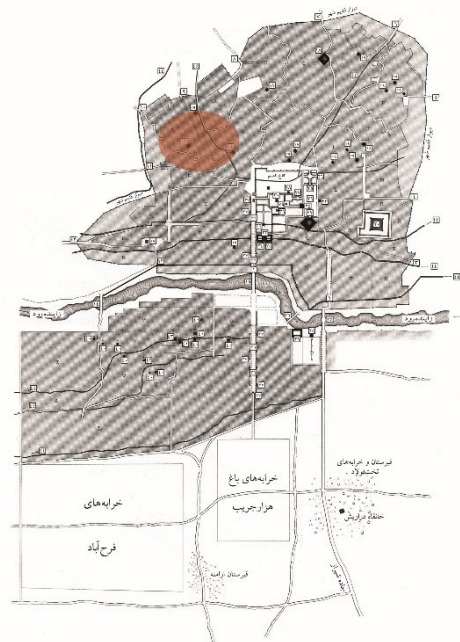
علاوه بر آنچه در بالا آمد که نشانگر تأثیر وقف بر شکل‌گیری اولیه مرکز محله علی قلی آقا بوده، توجه به این موضوع است که ایجاد این عناصر چگونه در تقویت ساختار مرکز محله نیز موثر بوده‌اند؟ با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این خصوص طبسی (۱۳۸۱) اظهار می‌دارد از اواخر دوره صفوی به بعد تا به امروز، بناهایی در مرکز محله علی قلی آقا ساخته شده‌اند که تاریخچه دقیقی از آن‌ها در منابع مکتوب موجود نیست (طبسی، ۱۳۸۱: ۱۱۸). اما در مجموع اینبه ذیل را به عنوان عناصری که بعدها به مرکز محله اولیه اضافه شده نام می‌برد:

- مکتب‌خانه (ظاهراً در دوره قاجار ساخته شده و فعالیت داشته و در دوره پهلوی اول همچنان فعال بوده، تا سرانجام با حذف تدریجی مکتب‌خانه‌ها از نظام آموزشی کشور، بنای آن هم تغییر کاربری یافته است- البته در حال حاضر اثری از آن وجود ندارد) (همان: ۱۱۸).

- زورخانه مرشد^۴ (در حال حاضر وجود خارجی ندارد).
 - سرا یا کاروانسرای مرشد (که به ابعاد ۲۲ در ۴۰ متر بوده است و طبسی اظهار می‌دارد با توجه به اینکه هیچ نامی از این کاروانسرا در حاشیه وقف‌نامه وجود ندارد، این بنا متعلق به دوره صفویه نیست (همان: ۱۱۸)- البته در حال حاضر کاروانسرا تخریب شده است).

- سقاخانه کوچک (با توجه به قوس نیمدایره بالای سر آن، نشان از دوره قاجار این اثر دارد) (همان: ۱۱۸).

همچنین در سندی که سازمان نوسازی و بهسازی شهرداری اصفهان در سال ۱۳۷۸ در محدوده مرکز محله علی قلی آقا تنظیم کرده است، علاوه بر عناصر فوق‌الذکر به وجود یک تیمچه نیز در همجواری بازارچه اشاره شده است.



نقشه شماره ۳: موقعیت حدودی محله علی قلی آقا در نقشه پاسکال کوست (سال ۱۲۱۸ هجری شمسی)؛ ماخذ: شفقی، ۱۳۸۱: ۳۸۸ در راهنمای این نقشه محدوده F که تا حد زیادی با محدوده محله علی قلی آقا فعلی منطبق است به صورت ذیل تعریف شده است: محله بیدآباد با ۳۵۰ منزل مسکونی مسلمان نشین



نقشه شماره ۵: موقعیت عناصر تاریخی مرکز محله - همانطور که گفته شد از میان عناصر نشان داده شده در نقشه، در حال حاضر، تیمچه، کاروانسرا، مکتب خانه و زورخانه از بین رفته اند؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷- بر اساس اطلاعات موجود طرح بهسازی و ساماندهی مرکز محله علی قلی آقا - ۱۳۷۸



نقشه شماره ۶: عناصر تاریخی باقی مانده فعلی پیرامون هسته اولیه مرکز محله تاریخی علی قلی آقا

علاوه بر آنچه در بالا آمد با بررسی نقشه‌های تاریخی همچون نقشه پاسکال کوست (۱۲۱۸ هـ ش) و نقشه سید رضا خان (۱۳۰۲ هـ. ش) موقعیت عناصر اولیه وقتی در مرکز محله، مشخص است. در نقشه پاسکال کوست، وجود محله‌ای به نام بیدآبادی در محدوده فعلی علی قلی آقا، مشخص شده است. این نقشه نشان‌گر این امر است که تا به این تاریخ محله علی قلی آقا به صورت مشخص وجود نداشته است. در نقشه سید رضا خان نیز عناصر مرکز محله به وضوح وجود دارد.



نقشه شماره ۴: موقعیت چهارسوق و بازارچه علی قلی آقا در نقشه سید رضاخان - اصفهان - ۱۳۰۲؛ ماخذ: شفقی، ۱۳۸۱: ۴۱۶

همان‌طور که در نقشه‌های شماره ۵ و ۶ مشخص است، سیر تغییرات عناصر تاریخی موجود در مرکز محله علی قلی آقا ارائه شده که در دهه‌های اخیر و با توجه به تغییرات کالبدی به ویژه در ۲۰ سال اخیر، بخشی از عناصر تاریخی این مرکز محله از بین رفته است. از طرفی، سایر عناصر الحاقی به مرکز محله از جمله پارک محلی، زورخانه جدید (به عنوان فضای جایگزین زورخانه قبلی) و نیز کتابخانه کودک، در مجاورت هسته اولیه مرکز محله جانمایی و احداث شده است. اما متأسفانه تیمچه و کاروانسرا به کلی از بین رفته و عنصر قابل توجهی نیز جایگزین آن نشده است.

مقایسه تصاویر هوایی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۹۱ شهر اصفهان، مشهود می‌باشد. البته در این بین احداث زورخانه‌ای نوساز در مجاورت هسته مرکز محله و کتابخانه‌ای که در نزدیکی بازارچه احداث شده است، نشان از تاثیر ساختار وقفی اولیه (یعنی مسجد و حمام و بازارچه و...) دارد که حتی تا به امروز، افزودن هر عنصر دیگری را به عنوان خدمات مرکز محلی در دوران معاصر در ادامه ساختار خود جذب می‌نماید؛ اگرچه متأسفانه جانمایی و احداث این عناصر از پیوستگی فضایی و کالبدی قوی با ساختار اولیه تبعیت نمی‌کند اما در مجموع مرکز محله ایجاد شده پیرامون مسجد-مدرسه علی قلی آقا در کلیه نقشه‌های ادوار مختلف، ثابت بوده و تغییری نکرده است.

یکی از مهمترین نکاتی که از مصاحبه‌های صورت گرفته استخراج گردید، در خصوص امتداد فرهنگ وقف در زندگی معاصر مردم محله است. از مهمترین نمونه‌های آن می‌توان به مصاحبه با آقای خوشانی از معروف‌ترین چهره‌های منبرسازی و نجاری شهر اصفهان اشاره کرد که مغازه وی، در نزدیکی بازارچه و زیر حسینیه و درمانگاه واقع شده است. طبق مصاحبه صورت گرفته و با تایید سایر اهالی، حسینیه و درمانگاه مجاور مغازه ایشان - که در نقشه شماره ۷- آمده است، پس از احداث در سال ۱۳۵۹ توسط ایشان وقف شده است. در واقع در امتداد سنت وقف که منجر به ایجاد اولین هسته خدمات مرکز محله در محله علی قلی آقا (مسجد-مدرسه علی قلی آقا) و سپس وقف سایر خدمات در مرکز محله گردید، در دوران معاصر نیز این سنت در محله حفظ شده و با احداث حسینیه و درمانگاه و زورخانه جدید در قالب سنت وقف از سوی اهالی محل و یا مدیریت شهری، سعی در حفظ ساختار کالبدی مرکز محله شده است. از طرفی شکل‌گیری سایر عناصر مورد نیاز محله در همجواری عناصر مورد اشاره که بر اساس فرهنگ وقف ساخته شده‌اند، بیش از هر چیز به تقویت یک مرکز محله منسجم در محله علی قلی آقا حتی بعد از گذشت چندصدسال کمک کرده است.



نقشه شماره ۷: موقعیت عناصر الحاقی جدید به مرکز محله اولیه شامل:

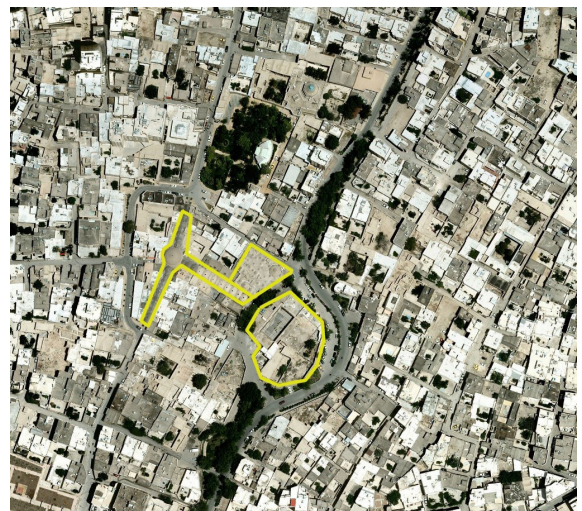
- ۱- زورخانه جدید
- ۲- فضای سبز
- ۳- حسینیه و درمانگاه
- ۴- کتابخانه کودک

۵- بازارچه و حمام و مسجد تاریخی (هسته اولیه مرکز محله)
 مأخذ: طرح پژوهشی بازتعریف نقش محله تاریخی علی قلی آقا و بافت پیرامون مسجد سید در راستای رونق گردشگری با تاکید بر رویکرد شهر خلاق (۱۳۹۳)

بنابراین با توجه به مجموع آنچه تا بدین جا درباره آن بحث شد، مشخص می‌گردد که در گام نخست، سنت وقف پایه‌گذار شکل‌گیری مرکز محله علی قلی آقا بوده است که بخشی از عناصر اصلی مرکز محله را در برداشته و خدمات محله را تامین می‌کرده است. در واقع با احداث مسجد-مدرسه علی قلی آقا به عنوان اولین موقوفه این محله، به تدریج سایر عناصر وقفی نیز در محله شکل گرفته‌اند که حمام، بازارچه و سقاخانه‌ها، کاروانسرا و زورخانه از جمله عناصر وقفی است که در همجواری هسته اولیه موقوفات محل (یعنی مسجد-مدرسه علی قلی آقا) شکل گرفته و با توجه به انسجام فضایی این عناصر با یکدیگر به عنوان یک مجموعه مرکز محله قوی در مقیاس محله، خدمات آن را تامین می‌کرده است.



تصویر شماره ۱: موقعیت عناصر مرکز محله در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ اصفهان؛ مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور



تصویر ۲: موقعیت عناصر مرکز محله در عکس هوایی سال ۱۳۹۱ اصفهان؛ مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه با توجه به بازدیدهای میدانی صورت گرفته در حال حاضر، مکتب‌خانه، کاروانسرا و زورخانه‌ای که بعداً به مجموعه وقفی اول الحاق شدند، تخریب شده‌اند که این امر نشان از تأثیر وقف در پایداری برخی عناصر شهری در طول زمان دارد (همچنین طبق تصاویر هوایی شماره ۱ و ۲، در حال حاضر اثری از تیمچه بازارچه که با خط چین و هاشور خاکستری مشخص شده است و کاروانسرا که با خط و هاشور قهوه‌ای نشان داده شده، نیست) که با

جدول شماره ۲: تغییرات عناصر کالبدی مرکز محله علی قلی آقا طی ادوار مختلف بر اساس عناصر وقفی اولیه

عناصر اولیه مرکز محله تا سال ۱۱۲۲ هجری قمری مطابق سند وقف‌نامه	عناصر اولیه و عناصر الحاقی مرکز محله تا پیش از انقلاب اسلامی	عناصر اولیه باقی مانده در مرکز محله و سایر عناصر الحاقی در حال حاضر (۱۳۹۷)
مسجد-مدرسه علی قلی آقا	مسجد-مدرسه علی قلی آقا	مسجد-مدرسه علی قلی آقا
مغازه‌های مجاور مسجد	مغازه‌های مجاور مسجد	مغازه‌های مجاور مسجد
سقاخانه مجاور مسجد	سقاخانه مجاور مسجد	سقاخانه مجاور مسجد
بازارچه علی قلی آقا	بازارچه علی قلی آقا	بازارچه علی قلی آقا
چهارسوق علی قلی آقا	چهارسوق علی قلی آقا	چهارسوق علی قلی آقا
سقاخانه مجاور چهارسوق علی قلی آقا	سقاخانه مجاور چهارسوق علی قلی آقا	سقاخانه مجاور چهارسوق علی قلی آقا
-	تیمچه مجاور بازارچه	-
-	کاروانسرای مجاور بازارچه	-
-	سقاخانه کوچک زیر بازارچه	سقاخانه کوچک زیر بازارچه
-	زورخانه قدیم (صفویه)	-
-	مکتب‌خانه	-
-	فضای سبز/پارک محله (پس از انقلاب)	فضای سبز/پارک محله (پس از انقلاب)
-	حسینیه و درمانگاه (۱۳۵۹)	حسینیه و درمانگاه (۱۳۵۹)
-	-	کتابخانه کودک (پس از انقلاب اسلامی)
-	-	زورخانه جدید مجاور پارک (۱۳۸۵)

و جانمایی متمرکز برخوردار بوده و به صورت پراکنده نیست، این همیونندی مکانی در ایجاد مفهوم مرکز محله و مرکز ثقل محله تاثیر بسزایی داشته است؛ یعنی به عبارتی تراکم و ارتباط دوسویه فضایی بین عناصر وقفی موجود در آنچه از وقف‌نامه استخراج و بدان اشاره شد، زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهوم مرکز محله علی قلی آقا بوده است. از طرفی اهمیت این مرکز محله و تمرکز فضایی موجود در آن بر پایه ابنیه عمومی وقفی، به قدری زیاد بوده که علی‌رغم شکاف و گسست بافت محله بزرگ‌تری به نام "بیدآباد"، با خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی اول (یعنی احداث خیابان مسجد سید)، وجود این مرکز محله در شمال این خیابان جدیدالاحداث، موجبات تعریف و وحدت فضایی در قالب محله مجزایی را برای برنامه‌ریزان شهری فراهم آورده است؛ اگرچه یادآوری این نکته ضروری است که فراتر از تعریف فیزیکی مرکز محله مبتنی بر عنوان "محله علی قلی آقا"، با توجه به اقدام خیر این مجموعه یعنی شخص علی قلی آقا - به عنوان یکی از رجال

همچنین طبق اطلاعات به دست آمده در مصاحبه با یکی از اعضای گروه تحقیق در خصوص "تاریخ شفاهی محله"، که در مسجد فعالیت دارند، در سایر بخش‌های محله به صورت پراکنده شاهد وجود مساجد کوچکی هستیم که به صورت وقف است. نمونه‌هایی از این دست نشان‌دهنده تسری فرهنگ وقف در توسعه کالبدی و عملکردی محله به شمار می‌رود.

علاوه بر آنچه در بالا بدان اشاره شد، نظر به محتوای متن وقف‌نامه، در ابتدا در این بخش از شهر محله‌ای به نام شیخ ابومسعود وجود داشته (اسناد وقف اصفهان، دفتر هفتم، ۱۳۸۸: ۱۸۲)، بعدها در اسناد دیگر (همچون نقشه پاسکال کوست، ۱۲۱۸ ه.ش) از محله‌ای به نام بیدآبادی نام برده شده است که با توجه به بازارچه بیدآبادی و مسجد سید مرکزیت می‌یافته است، اما با خیابان‌بندی‌های رایج در دوران پهلوی اول و با احداث خیابان مسجد سید، عملاً محله بیدآباد به دو بخش شمالی و جنوبی در دو سوی خیابان تفکیک شد. با توجه به ساختار موجود مرکز محله علی قلی آقا، رفته رفته این محله به نام علی قلی آقا معروف شد و در زمان‌های متاخر با تعیین حدود و مرزهای آن به محله‌ای شناخته شده تبدیل گردید. خوشبختانه این مرکز محله تا به حال حفظ شده و علی‌رغم اینکه بخشی از کارکردهای موجود در آن تا حدودی از رونق افتاده است، ولی به لحاظ ساختار فضایی، همچنان شاکله خود را حفظ کرده است که این پایداری کالبدی را مدیون ریشه اولیه احداث این مجموعه در قالب سنت وقف می‌باشد.

همچنین در طرح بهسازی و ساماندهی مرکز محله علی قلی آقا (۱۳۷۸) به صورت مشخص اشاره شده است که محله علی قلی آقا قبلاً جزئی از محله بزرگ بیدآباد بوده که تا اواخر دوره صفویه به عنوان بخشی از محله شیخ ابومسعود شناخته می‌شد. در نهایت به طور کلی می‌توان گفت، اجزای تشکیل‌دهنده مرکز محله علی قلی آقا در ادوار مختلف تغییراتی داشته‌اند که در جدول شماره (۲) آمده است اما هسته اصلی این عناصر که در چارچوب فرهنگ وقف شکل یافته‌اند، تغییری نکرده است.

نتیجه‌گیری

با تاکید بر رویکرد ساختارگرایی در بررسی و تحلیل این پژوهش، می‌توان گفت وقف به عنوان یک سنت اجتماعی در مقیاس محلی توانسته تاثیر بسزایی در بستر کالبدی محله و پایداری آن داشته باشد و در امتداد تاریخ تا به امروز، به عنوان سنت اجتماعی اثرگذار، بقای خود را در مقیاس محله مورد مطالعه، حفظ کرده است. با توجه به بررسی‌های انجام شده در پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت، فرهنگ وقف در ایجاد نطفه اولیه مرکز محله علی قلی آقا تاثیرگذار بوده است. از طرفی با احداث عناصر کالبدی که چارچوب وقف‌نامه به آن‌ها اشاره شده، توسعه عناصر مرکز محله در ادوار دیگر، پیرامون هسته اولیه ایجاد شده و رفته رفته موجب تقویت کالبدی و عملکردی این مرکز محله شده است. در واقع عناصر وقفی موجود در این محله از پراکنش

دولتی - از ابتدا با نامگذاری مجموعه به نام واقف آن، خود را در اذهان ثبت کرده است.

علاوه بر آنچه در بالا آمد، مرور نقشه‌های تاریخی نشان داد که وقف، در حفظ و پایداری عناصر اصلی مرکز محله نقش مهمی ایفا می‌نماید. زیرا به بسیاری از ابنیه وقفی مورد اشاره در مرکز محله به دلیل وقفی بودن در طی دوره‌های مختلف همچنان در مرکز محل حفظ شده و حتی مشوقی برای احداث سایر ابنیه وقفی در مجاورت آن‌ها و در دوره‌های متاخر بوده‌اند.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت، فرهنگ وقف در شکل‌گیری مرکز محله و در نهایت تعریف مشخص یک محله همچون محله علی‌قلی‌آقا در شهرهای ایرانی - اسلامی تأثیرگذار بوده و ساختار فضایی مشخصی را به این گونه محلات داده است که مهمترین آن ایجاد یک مرکز محله متمرکز و تامین خدمات محلی ساکنین محله است. به گونه‌ای که این امر به تقویت مفهوم محله کمک کرده است. همچنین می‌توان گفت فرهنگ وقف در توسعه ساختار مرکز محله، نقش درازمدتی داشته و در حفظ و پایداری عناصر آن در دوره‌های زمانی مختلف، سهم عمده‌ای دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در حال حاضر تعداد محلات اصفهان ۱۹۸ محله می‌باشد.
۲. رقبات یعنی هر قسمت واحدی از املاک و مستغلات وقف که به نام «رقبه» خوانده می‌شود و جمع آن رقبات می‌گویند (احمدی، ۱۳۹۱: ۲۳).
۳. آمار تعداد دکان‌های بازارچه، متعلق به سال ۱۳۸۱ می‌باشد.
۴. منظور از وقف مجدد این است که پس از فوت واقف اولیه، افرادی که به عنوان متولی موقوفه منتصب شده‌اند، با توجه به تغییرات موجود در شرایط آنها، مواردی را در وقف منظور می‌کنند.
۵. لازم به توضیح است، منبع مشخصی در این خصوص که به خسارات وارده به بناهای وقفی مرکز محله علی‌قلی‌آقا که ناشی از حمله افغان‌ها به آن‌ها باشد، اشاره کرده باشد، یافت نگردید.
۶. با توجه به اطلاعات موجود در سند وقف‌نامه، بخشی از موارد وقف در موقعیتی خارج از محدوده واقع شده‌اند به عنوان مثال یک روستا. اما با توجه به آنکه در چارچوب پژوهش حاضر نمی‌باشد، از ذکر آن‌ها خودداری شده است.
۷. رخام به معنی سنگ است.
۸. شاید مراد از نمخانه، همان «غسالخانه» باشد.
۹. طبق کتیبه‌ای که اکنون بر دیوار زورخانه جدید الاحداث نصب شده است، قدمت زورخانه تخریب شده را متعلق به دوره صفویه معرفی کرده است.

فهرست منابع و مراجع

۱. ابدالی، یعقوب، احمد پوراحمد و اسحاق خندان. (۱۳۹۷) «فراتحلیلی بر پژوهش‌های وقف در شهرهای ایرانی - اسلامی». **مجله جغرافیا و روابط انسانی**. دوره اول، شماره اول، ۱۸۶-۱۹۷.
۲. احمدی، نزهت (۱۳۹۱). «نهاد وقف در دوره صفوی». **فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام**. سال چهارم، شماره ۱۵، ۴۱-۵۶.
۳. احمدی، نزهت. (۱۳۹۰). **درباب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)**. انتشارات: تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.

۴. احمدی، نزهت. (۱۳۹۳). «تأثیر موقوفات گنجعلی‌خان بر کالبد شهری کرمان با تکیه بر اسناد و قفنامه‌های گنجعلی‌خان». **فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام**، سال هفتم، شماره ۲۳، ۳۱-۵۵.
۵. اهلرزی، اکارت. (۱۳۷۴). «موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی». ترجمه مصطفی مومنی و محمدحسن ضیا توانا. **مجله میراث جاویدان**، سال سوم، شماره دوم، ۵۰-۵۳.
۶. باقری، اشرف‌السادات (۱۳۸۶). **شهرهای قلمرو و فرهنگ اسلامی**. انتشارات امیرکبیر، تهران.
۷. بحری مقدم، عباس. (۱۳۹۲). «عوامل اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری محله در شهر ایرانی-اسلامی و کارکردهای آن». **نشریه تاریخ و تمدن اسلامی**، سال نهم، شماره ۱۷، ۱۰۱-۱۱۶.
۸. بمانیان، محدرضا، پیرام بقایی و آرین امیرخانی. (۱۳۸۷). «رهیافتی بر نقش موقوفات در ساماندهی فضاهای شهری (با نگاه ویژه بر موقوفات شهر اصفهان)». **نشریه مدیریت شهری**، شماره ۲۱، ۵۹-۷۱.
۹. پوراحمد، احمد، ایوب منوچهری میانداوب، حسین رفیعی مهر و عارف آقاصفری. (۱۳۹۲). «بررسی نقش وقف در توسعه و ساماندهی فضایی شهرها (مطالعه موردی: شهر لالچین)». **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، شماره دوازدهم، ۵-۱۴.
۱۰. پیربابایی، محمدتقی و رحیم ایرانشاهی. (۱۳۹۹) «واکاوی نقش فرهنگ وقف در تکوین ارسن‌های شهری بر اساس نظریه ساخت‌یابی»، **نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی**، سال پنجم، شماره دوم، ۱۷-۳۶.
۱۱. جناب، میرسید علی. (۱۳۹۳). **احصائیه خانه‌ها و محلات اصفهان**. انتشارات: سازمان فرهنگی-تفریحی شهرداری اصفهان.
۱۲. حسینی اشکوری، سید صادق. (۱۳۸۸). **کتاب اسناد وقف اصفهان؛ دفتر هفتم**. زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان. انتشارات: مجمع ذخایر اسلامی، قم.
۱۳. دانش، جابر. (۱۳۸۹) «مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهراسلامی». **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره اول، ۱۵-۳۱.
۱۴. سجادیان، ناهید، صفیه دامن‌باغ، فاطمه رزمگیر و بلقیس رستگاران. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی بر ساخت کالبدی شهرهای ایران». **سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت**؛ واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت.
۱۵. شفق، سیروس. (۱۳۸۱). **جغرافیای اصفهان**. انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ دوم، ویرایش اول.
۱۶. شفق، سیروس. (الف) (۱۳۷۶). «وقف در اصفهان». **نشریه میراث جاویدان**، شماره ۲۰، ۳۳.
۱۷. شفق، سیروس. (ب) (۱۳۷۶). «وقف در اصفهان، پراکنگی جغرافیای موقوفات و آثار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن در اصفهان». **نشریه میراث جاویدان**، شماره ۱۹ و ۲۰، ۴۷-۵۸.
۱۸. شهبابی، محدرضا (۱۳۸۳)، «مبانی و چارچوب نظری تأثیر وقف در شکل‌گیری فضاهای شهری»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۷۲، ۱۳۵-۱۵۰.
۱۹. شهرداری اصفهان، سازمان نوسازی و بهسازی شهر اصفهان (۱۳۷۸). **طرح بهسازی و ساماندهی مرکز محله علی‌قلی‌آقا**.
۲۰. شهرووری، نسرين و شهرام یوسفی‌فر (۱۳۹۶)، «بررسی کارکردهای پنهان آب انبارهای وقفی در تهران دوره قاجار». **پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، ۵۵-.

۲۱. شهیدی، حمیده (۱۳۹۴)، «نقش وقف در توسعه آبی و شکل‌گیری فضاهای شهری مشهد در دوره صفویه»، **مطالعات تاریخ اسلام**، سال هفتم، شماره ۲۵، ۹۵-۱۲۰.
۲۲. صادقی گلدر، احمد (۱۳۸۵). **مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف**، انتشارات صائن، تهران.
۲۳. طبسی، محسن (۱۳۸۱)، «بازخوانی وقفنامه و بررسی کالبدی مرکز محله علی‌قلی‌آقا»، **نشریه صفه**، دوره ۱۲، شماره ۳۵، ۹۳-۱۲۱.
۲۴. عسگری، محسن و آرش بغدادی (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی چارچوب مطالعات کالبدی وقف در شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره ۲۰، ۳۷-۴۸.
۲۵. عمران‌زاده، بهزاد، کرامت‌الله زیاری، احمد پوراحمد و حسین حاتمی‌نژاد (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره ۱۶، ۷۱-۷۹.
۲۶. غروی‌الخوانساری، مریم (۱۳۹۶)، «از محله سنتی تا محله معاصر؛ کندوکاوی در راهکارهای احیا هویت محلی در شهر امروز»، **نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر**، شماره ۲۱، ۶۱-۷۶.
۲۷. غلامی، حسین و ابراهیم الیاسی (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر جایگاه محله در شهرسازی ایرانی-اسلامی»، **نهمین سمپوزیوم پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی**، مشهد، کمیسیون اول: همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خواتش هویت ایرانی-اسلامی در معماری و شهرسازی.
۲۸. کلانتری خلیل‌آباد، حسین، سیداحمد صالحی، قهرمان رستمی. (۱۳۸۹)، «نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره اول، ۳۳-۴۳.
۲۹. لغتنامه دهخدا. (۱۳۷۷). انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱۵.
۳۰. معاونت پژوهشی جهاددانشگاهی واحد اصفهان (۱۳۹۳)، «طرح پژوهشی بازتعریف نقش محله‌ی تاریخی علی‌قلی‌آقا و بافت پیرامون مسجد سید در راستای رونق گردشگری با تأکید بر رویکرد شهر خلاق، کارفرما: معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان.
۳۱. میراحمدی، مریم. (۱۳۷۱) «پژوهشی در موقوفات عصر صفوی»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، مشهد، آستان قدس رضوی، شماره ۲۵، ۴۸-۲۹.
۳۲. سازمان نقشه‌برداری کشور (<https://www.ncc.gov.ir>).

Revisiting the Spatial Organization of Neighborhoods in the Iranian City in Terms of the Tradition of Mortmain

Case Study: Aligholi Agha neighborhood, Isfahan

Mina Kashani Hamedani

PhD candidate in urban development, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

Hassan Sajjadzadeh *(Corresponding Author)

Associate professor at the department of urban development, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran.

* E-Mail: sajadzadeh@basu.ac.ir

Abstract:

Mortmain has been existing for a long time in the field of urbanization. It is a multifaceted phenomenon with various physical, functional, social and economic dimensions. Identifying the effect of mortmain endowment on the building blocks of Iranian-Islamic cities, especially through a historical approach, will help to clarify this concept. With its unique historical neighborhoods, the city of Isfahan which was mainly developed in the Safavid era under the influence of the idea of the Islamic city and mortmain offers a perfect opportunity for innovative historical research. From among the numerous historical neighborhoods in Isfahan, the neighborhood of Aligholi Agha was selected as the case of the present study due to the survival of its mortmain deeds. The hypothesis of this research is the influence of mortmain on the shape of Aligholi Agha neighborhood. The research seeks to find an answer to the question of how tradition of mortmain has affected the structure and creation of traditional neighborhood spaces?. Accordingly, the purpose of this article is to analyze the spatial structure and physical elements of traditional neighborhoods from the perspective of mortmain tradition and based on the structuralism approach in Islamic city studies. Accordingly, in the process of traditional neighborhoods regeneration, a sustainable spatial organization can be achieved by relying on research findings. For this purpose, the research was conducted through a descriptive-analytical method, while reviewing the literature of the position of mortmain in Islamic thought and its impact on the structure of the Islamic city, and using library-documentary as well as field observations, historical documents and maps, and existing mortmain deeds. Our findings indicate that mortmain has been effective in the formation and further historical development of Aligholi Agha neighborhood centers in Isfahan and creating public buildings such as mosques, bath and other public buildings in this neighborhood. Also, due to the doctrinal and social dimensions of the mortmain tradition, the development and creation of Aligholi Agha neighborhood buildings, has created an interconnected and intertwined structure in the center of the neighborhood and has created sensitivity and participation of people in preserving and reviving traditional buildings in this neighborhood.

Keywords: mortmain, neighborhood, Iranian-Islamic city, Aligholi Agha neighborhood, Isfahan.